

جمع و تدوین قرآن

سید محمد تقی زاده^۱

■ حکیده

قرآن در وهله اول مسند زنده و معجزه جاوید اسلام است که همیشه با آوازی بلند، جهان بشریت را به مبارزه خوانده و فریاد کرده که اگر می توانند مانند آنرا بیاورند. اما همگان ، در سراسر ادوار و قرون ، با صراحت تمام، به عجز و ناتوانی خود در این میدان اعتراف کرده اند.

از این رو این تحقیق بر آن شده است تا به بررسی نحوه جمع و تدوین قرآن کریم که در این راستا به جمع آوری قبل و بعد از رحلت پیامبر اعظم(ص) مربوط است پرداخته شده است. و در پایان به این نتیجه می رسیم که بین دو نظریه نسبت دادن جمع آوری قرآن به خلفا و دوران بعد از پیامبر، و در دوران خود پیامبر و به دستور و نظارت وحی ، نظریه سومی وجود دارد که بیان می دارد اگر چه قرآن در دوره پیامبر اعظم (ص) به طور کامل حفظ گردید و صدها حافظ قرآن و ده ها کاتب وحی مجموع آنچه را که بر حضرت نازل شده بود، در گنجور خاطر خویش حفظ کرده و در نوشت افزارهایی ثبت نمودند. اما به دلایلی ، پس از رحلت پیامبر اعظم (ص) آن را میان دو جلد قرار دادند و این کار نه از عظمت قرآن می کاهد و نه فضیلت فراوانی برای مکتب خلفا محسوب می شود. بخشی دیگر از این تحقیق به نظرات مستشرقان در مورد جمع و تدوین قرآن اشاره دارد.

■ کلید واژه

تاریخ قرآن ، پیامبر اعظم(ص)، خلفا، مصاحف، مستشرقان.

■ طرح مسأله

یکی از عمده ترین مباحث پیرامون قرآن ، تاریخ و چگونگی جمع و تدوین آن است. در این باره دو دیدگاه عمده وجود دارد: دانشمندان اهل سنت با بیان داستانی از کشته شدن شماری از قاریان و حافظان قرآن در جنگ یمامه بر این عقیده اند که زید بن ثابت انصاری در روزگار خلافت ابوبکر و به پیشنهاد عمر بن خطاب و تصویب خلیفه نخست ، قرآن را که تا آن زمان در سینه مردان و شاخه های خرما و استخوان شانه گوسفندان و... پراکنده بود ، جمع آوری و تدوین کرد. دیدگاه دوم این است که قرآن در عصر رسالت و زیر نظر مستقیم رسول خدا جمع آوری و تدوین شده است. این گروه ضمن رد دیدگاه نخست، با شمارش دلایلی به اثبات دیدگاه خود پرداخته اند. چنان که شماری زیاد از یاران پیغمبر(ص) علاوه بر حفظ همه یا بخشهایی از قرآن، مصاحفی از آن را برای خود نوشته بودند که البته از نظر کامل بودن و نیز بیان برخی تفسیرها و شان نزول شماری از آیه ها و سوره ها و ترتیب نزولی آن با هم تفاوتهایی داشت. برخی نسخه ها کامل و به تایید پیامبر رسیده و در جای خود

قرآن کریم منبع نخستین اصول و مبانی تعلیمات اسلامی و نیز کتاب آسمانی و معجزه جاودانی پیامبر اعظم(ص) است. کتابی که در درون و برون و محتوایش قرنهایست، که انظار جهانیان را بخود جلب کرده و به جامعه بشریت نوید می دهد که امیدوار به پیروزی حق بر باطل و غلبه عدل بر ظلم و چیره شدن روشنائیها بر تاریکیها.

قرآن محل برداشت آبی است که هر چه از آن بگیرند کاهش نمی یابد. منزلی است که مسافران راه، آن را فراموش نخواهند کرد. قدرتی است که یاورانش شکست ندارند(نهج البلاغه/خطبه ۱۹۸).

نه تنها عنایت به قرآن از نظر زمان محدود نبوده و تحقیق و پژوهش درباره آن در هیچ عصری متوقف نشد ، از نظر نیروی انسانی نیز در پیروان قرآن منحصر نبوده است ، بلکه دامنه تحقیقات از این لحاظ چنان گسترش یافت که بیگانگان از اسلام را برانگیخت تا درباره قرآن کریم مطالعاتی بعمل آورند.



محفوظ بود(سپهری، جمع وتدوین قرآن).

نگارنده بر این عقیده است که آنچه دو گروه موافق و مخالف را از هم جدا ساخته است، اگر در فضایی آرام و به دور از جاروجنجال حاشیه ای مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد، با هم قابل جمع و سازش است و می توان در یک جمع بندی نهایی به نظر سوم رسید.

◀ ۱- سیر تاریخی

علوم قرآنی بر روی هم دانشهائی را شامل خواهد بود که مباحث کلی شناخت قرآن را تبیین کند و پرسشهای گونه گون متعلق به قرآن و چگونگی آن را پاسخ گوید، که به گونه ای می توان از آنها به پیشنیاز تفسیر و شناخت قرآن یاد کرد. از این روی هرگز نمی توان عناوین این مباحث را محدود تلقی کرد و بر این باور بود که آگاهیهای محدود و معین و ثابتی داخل در حوزه علوم قرآنی است و نه جز آن.

تاریخ قرآن بخشی از علوم قرآنی است که در آن مباحثی نظیر کیفیت جمع و نگارش قرآن، چگونگی شناخت و

ترتیب و تنظیم آیات و سوره ها، مصاحف مختلف قرآن و زمان یکی کردن آن، خط قرآن و اعجام و نقطه گذاری آن و ده ها مطالب مشابه دیگر مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.(مهجوی راد، ۹-۸).

درباره تاریخ قرآن، این نکته قابل تذکر است که اگر چه کلیه مطالب مربوط به این بحث در کتابهای حدیثی و تفسیری شیعه و سنی موجود است. اما بکارگیری چنین اصطلاحی در زمینه سرگذشت قرآن، ظاهراً نخستین بار توسط مسترقین انجام گرفته است و کتاب تاریخ قرآن "نولدکه" Theodor Noelle (۱۹۳۱-۱۸۳۶م)

مهمترین کتاب در این زمینه می باشد. او اثر معروفش را در سال ۱۸۶۰م انتشار داد. طبع بعدی و گسترش یافته این اثر به کمک و همکاری شوالی، برگشناسرو پرتسل، در فاصله سالهای ۱۹۰۹ تا ۱۹۳۸ در لایپزیک انتشار یافت. شاید بتوان گفت این اثر اساسی نولدکه و اثر گلدزیهر درباره تاریخ تفسیر قرآن، و نیز آثار محققان دیگر چون آرتور جفری، ریچارد بل، رژی بلاشر در

تاریخ قرآن دکتر رامیار در میان دوازده تاریخ قرآن که مسلمانان یا اسلام شناسان و قرآن پژوهان غیر مسلمان نوشته اند ، مقامی ممتاز دارد. شاید فقط تاریخ قرآن نولدکه اسلام شناس و ایران شناس نامدار آلمانی از این کتاب مهمتر و بانفوذ تر است. چیزی که هست ، نولدکه ولو آنکه بی غرض باشد به وحی و جنبه وحیانی و غیبی و قدسی قرآن کریم تاریخ آن به همان گونه و با همان روش تحقیق می کند که فی المثل درباره شاهنامه. طبعاً تاریخ قرآن دکتر رامیار نظر گاه شیعه امامیه اثنی عشری را در مسائل قرآنی و اعتقادی (عصمت رسول اکرم، اثبات بی اصل بودن افسانه غرانیق و نظایر آن) منعکس می سازد (سیر بی سلوک ، فصل نوینی در پژوهش های قرآنی) .

مساله جمع و تدوین قرآن کریم و چگونگی تنظیم و ترتیب آیات و سوره های آن ، از جمله مهمترین موضوعات و مسائلی است که اذهان مفسران پرشمار این کتاب آسمانی و دانشمندان علاقمند به علوم قرآنی را به خود معطوف داشته است.

زمینه قرآن همت پژوهندگان مسلمان اعم از شیعه یا سنی را به حرکت درآورد. ابو عبدا... زنجانی (۱۳۰۹-۱۳۶۰ق) در بین شیعه ها اولین دانشمندی است که کتاب مستقلی در این علم با عنوان " تاریخ القرآن " به زبان عربی تالیف کرد. (حجتی، مقدمه سیر بی سلوک، فصل نوینی در پژوهشهای قرآنی).

«کتاب القرآن» بحار الانوار مجلسی مفصلترین مباحث مربوط به علوم قرآنی از جمله شامل مباحثی مربوط به تاریخ قرآن ، در عالم تشیع است. در عصر جدید مناهل العرفان اثر محمد عبدالعظیم زرقانی و مباحث فی علوم القرآن اثر صبحی صالح و تاریخ القرآن دکتر عبدالصبور شاهین (قاهره ۱۹۶۶م) قابل توجه است. همچنین سه اثر محققانه و پر حجم از قرآن پژوهان شیعه در عصر جدید شایان ذکر است. تاریخ قرآن مرحوم دکتر محمود رامیار (۱۳۴۶-۱۳۶۲ تهران) و پژوهشی در تاریخ قرآن کریم دکتر سید محمد باقر حجتی و تاریخ جمع قرآن کریم اثر دکتر محمد رضا جلالی نائینی .



پرداخت. (پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۰-۱۹).

۲- جمع و تدوین قرآن

جمع قرآن دارای دو معنی است. که راجع به هر دو معنی، نصوصی در قرآن و احادیث وارد شده است چنانکه در قرآن می‌گوید: «و ان علینا جمعه و قرآنه». یکی از معانی «جمع قرآن» حفظ و بخاطر سپردن آنست و لذا حفاظ قرآن را، «جماع القرآن» نیز می‌نامیدند. معنی دیگر جمع قرآن، نگارش آنست و این گونه جمع ممکن است به چند صورت باشد.

الف- تمام قرآن نوشته شده، ولی آیات و سوره آن نامرتب و متفرق و پراکنده باشد.

ب- قرآن بصورتی نگارش یافته باشد که فقط آیات آن در سوره‌ها مرتب باشد و هر سوره‌ای در صحیفه جداگانه تحریر شده باشد.

ج- قرآن با حفظ ترتیب آیات و سوره‌های آن - مجموعاً در یکجا مرتب شده، و سوره‌ها نیز مانند آیات، یکی پس از دیگری تنظیم گردیده باشد.

جمع قرآن به معنای حفظ کردن و بخاطر سپردن آن که به «جمع اول»

اگر چه بسیاری از مباحث مربوط به تاریخ قرآن در میان تفاسیر شیعه و سنی و احادیث فریقین به وضوح و روشنی آمده است، با این همه، پاره‌ای از مطالب همچنان پیچیده و مبهم باقی مانده است. به گونه‌ای که در برخی از موارد، اظهار نظر قطعی را برای قرآن پژوهان دشوار می‌سازد. دلیل بارز این مدعا را می‌توان در اختلاف نظرهایی که در باره موضوع جمع و تالیف قرآن، در زمان حیات پیامبر و یا بعد از رحلت آن حضرت بیان شده است، به روشنی مشاهده کرد.

بی تردید، نقش اختلافات فرقه‌ای و تعصبات مذهبی را نباید در ایجاد این گونه اختلاف نظرها نادیده گرفت. اما علی‌رغم این مسائل، دشواری و پیچیدگی متون و منابع موجود دخیل در این مباحث را هم نباید از نظر دور نگه داشت. بنابراین در مسائل مربوط به تاریخ قرآن و سرگذشت این آخرین کتاب آسمانی، در حد امکان باید از سطحی‌نگری به دور بود و با تکیه بر تحقیقات ریشه‌دار و تا حدودی محتاطانه به اظهار نظر

در زمینه جمع قرآن بصورت ج (سوم) همواره دو نظر متفاوت وجود داشته است. گروهی متمایل به این عقیده اند که قرآن در زمان حیات پیامبر صلی علیه وآله وسلم و به دست آن حضرت میان دو جلد قرار گرفت و دسته ای بر این باورند که اگر چه حفظ و نگارش قرآن تماماً در زمان پیامبر اکرم (ص) انجام گرفت. اما پس از رحلت آن حضرت، صحابه قرآن را میان دو جلد قرار دادند.

۱۲- جمع و تدوین در زمان رسول اکرم (ص).

◆ شواهد تاریخی، بر گردآوری قرآن در زمان پیامبر (ص).

◆ احادیث جمع قرآن پس از پیامبر، با نص قرآن معارض است.

◆ احادیث جمع آوری قرآن پس از پیامبر، با حکم عقل نیز سازگار نیست.

روایات اهل تشیع می گویند: چون وفات نبی اکرم (ص) فرا رسید به علی (ع) فرمود که آیات قرآنی در پشت بسترم بر روی صفحات و رقع هائی پراکنده است آنرا گرد آورید که از میان نرود. اما حارث محاسبی

قرآن معروف است، در زمان پیامبر اکرم (ص) بطور قطع انجام گرفت و عده ای بنام «حفاظ یا قراء یا جماع القرآن» از آغاز تا پایان آنرا کاملاً و با دقتی در خور بخاطر می سپردند و آنرا حفظ می کردند که در راس همه آنها پیامبر اسلام (ص) بعنوان نخستین حافظ قرآن قرار داشت. چنانکه از حضرت فاطمه و عایشه روایت شده که گفته اند از رسول خدا (ص) شنیده ایم که فرمود: جبرئیل هر سال یک بار قرآن کریم را بر من عرضه می داشت و او امسال آن را دو بار بر من عرضه داشته است، و من این رویداد را جز این نمی دانم که اجلم فرا رسیده است. (حجتی، ص ۲۱۸؛

خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی)

اما جمع قرآن به معنی نگارش آن بصورت الف و ب (اول و دوم) کاری بود که طبق گواهی اسناد و شواهد با ارزش و معتبر، قطعاً همزمان با حیات رسول اکرم (ص) به ثمر رسید و هیچ محققى در علوم قرآنى نسبت به آن تردیدى بخود راه نمى دهد. (حجتی کرمانی).



(م ۲۴۳ه) در کتاب فهم السنن می گوید: اوراقی در خانه رسول خدا یافته شد که قرآن در آن پراکنده بود. پس گردآورنده ای آن برگها را گرد آورد و با نخی به هم پیوست که چیزی از آنها گم نشود (رامیار، ص ۲۹۰ و ۲۹۳؛ سیوطی، ص ۲۰۵؛ حجتی، ص ۴۲۲).

سیوطی در کتاب الاتقان به نقل از حاکم و او هم به نقل از زیدبن ثابت آورده که: ما نزد رسول خدا (ص) قرآن را از نوشته ها جمع می کردیم. «کنا عند رسول... مولف القرآن من الرقاع» از فحوای بیان زید استفاده میشود که کاتبان وحی علاوه بر نگارش قرآن به جمع و تالیف و ترتیب آن در زمان پیغمبر سرگرم بوده اند، چون تالیف تنها بمعنی نگارش نیست، بلکه این واژه علاوه بر نگارش، تنظیم و ترتیب قرآن را نیز ارائه می دهد. یعنی علاوه بر آنکه این قضیه نشان می دهد که نوشت افزارهایی از قبیل پوست و کاغذ در اختیار نویسندگان وحی قرار داشت حکایت از آن می کند که همان افراد دست اندرکار ترتیب آیات و سوره های قرآن روی نوشت افزارهای

معمولی در زمان پیغمبر (ص) بوده اند. (حجتی، ص ۲۲۱).

قرآن خود را در این مورد چنین معرفی می کند:

(ذلک الكتاب لا ریب فیہ) (۲:۴)
این آن کتابی است که شک در آن راه ندارد.

این آیات محکم است. (۲:۳۱)، آیات الهی در صفحات مکرم است (۸۰):
۱۲-۱۳).

از قرآن گذشته، در سخنان رسول اکرم نیز بدین مطالب اشارتهاست.

فرمود: هر که در مصحف نظر کند بدی نمی بیند. و باز فرمود: هر که ثلث قرآن را فراگیرد، ثلث نبوت بدو داده می شود و هر کس دو ثلث یاد بگیرد دو ثلث، و هر کس تمام قرآن به او داده شود تمام نبوت بدو عطاء شده، جز اینکه بدو وحی نمی رسد.

اینها اشاره هایی است به مجموعه قرآن و تمام قرآن. اما معروفترین سخن پیامبر در این باره، وصیت او است که حدیثی است متواتر میان شیعه و سنی.

«انی تارک فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی اهل بیتی» من دو چیز گرانبه

میان شما می گذارم: کتاب خداوند و عترتم، خانواده ام».

منظور از کتاب خدا در این حدیث ، نمی تواند برگهای پراکنده دست مومنان باشد. به اوراق پراکنده «صحف» می گویند نه کتاب. خیلی بیشتر معقول است که تصور آنرا داشته باشیم که قرآن بدان هنگام مجموعه ای مرتب داشته ، تا بگوئیم در دل اکتاف و اقتاب پراکنده بوده است(رامیار، ص ۲۸۳-۲۸۵).

روایاتی که می گوید قرآن پس از پیامبر جمع آوری شده ، با خود قرآن معارض است زیرا بسیاری از آیات قرآن دلالت دارند که سوره های قرآن در خارج مشخص ، و بین مردم حتی مشرکان منتشر بوده است. آنجا که قرآن بر مشرکان و کفار با آن ها تحدی می نمود و می گفت اگر فکر می کنید که قرآن از جانب خدا نیست ، مانند آن یا ده سوره از سوره های آن را بیاورید . معنی سخن آن است که سوره های قرآن در اختیار همه بوده است(سبحانی، ص ۱۲۸-۱۳۳).

یکی از دانشمندان بنام بلخی در کتاب تفسیر خود بنام «جامع علم القرآن» مینویسد: بسی شگفت آور و بهت آور

است ، مسلمین چگونه می پذیرند که رسول خدا در زمان حیات خود قرآن را بحال خود واگذارده و موضوع قرائت و تلاوت آنرا استحکام نبخشیده و بجمع و تالیف و ترتیب آیات و سور آن اهتمام و اقدام نکرده باشد؟ ، قرآنی که حجتی برای مسلمین و سرمایه اساسی دعوت پیغمبر و بیان فرائض و احکام دینی او بود؟(حجتی، ص ۲۲۳).

زرقانی دانشمند مصری نیز می گوید: جمع قرآن (به زمان ابوبکر) چیز تازه ای و یا بدعت و اضافه ای در اسلام نبود، بلکه از قواعدی بود که پیامبر اکرم با تشریح نوشتن قرآن و گزیدن کاتبان وحی ، پایه گذاشت و هر چه نوشته می شد جمع می فرمود تا رحلت کرد.

عده زیادی از علمای اهل تسنن هستند که معتقد به توقیفی بودن ترتیب آیات و سور هستند، و این همان معنی را می رساند که جمع ، به فرمان پیامبر و در زمان وی بوده است(رامیار، ص ۲۹۴).

سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ه.ق) که یکی از قدماء و بزرگان دانشمندان شیعی است معتقد بود که قرآن همزمان با

حیات رسول خدا (ص) بترتیبی که هم اکنون در اختار ماست جمع آوری و مرتب گردید ، به این دلیل که قرآن در زمان آنحضرت تدریس می کردند و به مردم تعلیم می دادند و عده ای از اصحاب پیغمبر (ص) قرآن را حفظ کردند و گروهی امثال عبا... بن مسعود و ابی ابن کعب قرآن را از آغاز تا انجام آن نزد پیامبر اکرم (ص) چند بار قرائت و ختم نمودند (حجتی، ص ۲۲۴).

آیت ... معرفت می نویسد: سید مرتضی علم الهدی و بسیاری از محققان و معاصران آیت ... خوئی ، بر آن اند که قرآن همچنان که هست ، در زمان حیات پیامبر شکل گرفته است (ولی خواه، ص ۱۰۱). نتیجه آنکه نسبت دادن این مسئله به خلفا و دوران بعد از پیامبر امری است موهوم و پنداری است غلط و بی اساس که با قرآن ، سنت ، اجماع و عقل مخالف می باشد و طرفداران تحریف نمی توانند از این راه، نظریه غلط و بی اساس خویش را اثبات نمایند. قرآن در دوران خود پیامبر و به دستور و نظارت وحی انجام گرفت. (خوئی، ص ۳۲۳)

۲۲ - جمع و تدوین پس از رحلت رسول اکرم (ص).

دیر عاقولی در فوائد خود گفته: ابرهیم بن بشار از سفیان بن عیینه از زهری از عبی از زید بن ثابت برای ما حدیث گفته که: پیغمبر اکرم صلی ... علیه و آله قبض روح شد در حالی که قرآن در چیزی جمع نشده بود. (سیوطی، نوع ۱۸).

الف جمع و تدوین توسط امیر المومنین علی (ع).

در اینکه چه کسی پس از وفات رسول خدا (ص) به جمع و تدوین قرآن و ترتیب سور آن قیام کرد ، از نظر محققان اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. ولی آنچه علماء شعه و اهل سنت اظهار کرده اند و می توان ضمن آن به قدر متیقن و جامعی دست یافت ، این است که علی (ع) آغاز گرد تدوین قرآن بر حسب وصیت و سفارش پیامبر (ص) بوده است. و علیرغم اینکه علماء اهل سنت بر حسب اختلاف نظر نام چهار نفر را می برند (حضرت علی ، ابوبکر، عمرو سالم مولی حدیفه) ولی در راس آنها بر طبق مدارک اهل

سنت علی (ع) قرار دارد
(حجتی، ص ۳۸۵).

■ مصحف علی (ع)

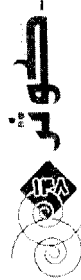
روایتی که سیوطی از ابن سیرین آورده ، که می گوید: پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) امام علی (ع) گفت: عهد کردم که ردایم را بر نگیرم مگر برای نماز جمعه تا اینکه قرآن را جمع نمایم و آن را جمع کرد. ابن سیرین به نقل از عکرمه آورده : اگر جن و انس جمع می شدند تا آن را بدانگونه که نازل شده تالیف کنند نمی توانستند (سیوطی، نوع ۱۸).

منابع شیعی گزارش می کنند که پس از رحلت رسول خدا (ص) ، امام علی (ع) مصحف خود را به مسلمانان عرضه کرد، اما اصحاب دیگر پیامبر (ص) آنرا نپذیرفتند و او مجبور شد تا آن را به خانه بازگرداند (مدرسی طباطبایی، ص ۲۰).

دکتر مدرسی طباطبایی در میراث مکتوب شیعه می آورد: گفته می شود که مصحف آن حضرت به ترتیب نزول بود، اگر چه فهرستی که منابع از ترتیب مصحف ایشان آورده اند این گزارش را تایید نمی کنند (مهدوی راد، میراث مکتوب علوی).

بر طبق شواهد و مدارک فراوان ، قرآنی را که امیرالمومنین علی (ع) پس از پیغمبر (ص) مرتب ساخت ، بر طبق ترتیب نزول آن بوده است (حجتی، ص ۳۹۰).

شیخ مفید در کتاب الارشاد و السرویه نوشته است که علی (ع) در مصحف خود ، منسوخ را بر ناسخ مقدم نموده و در آن ، تاویل برخی از آیات و تفسیر آنها را به تفصیل نوشت (همان). ابن ندیم می گوید: « من این مصحف را دیدم و به مرور زمان اورا قی از آن افتاده بود و این است ترتیب سوره ها در این مصحف... » ولی اکنون در نسخه های موجود الفهرست (لایپزیک و قاهره) ان قسمت بکلی افتاده و معلوم نیست کدام دستی این صفحات را از بین برده است؟! بدین ترتیب یکی از معتبر ترین اسناد در این باره از میان برده شده است که اگر از بین نرفته بود بی گفتگو به روشن شدن تاریخ قرآن و مخصوصاً ترتیب نزول آیات و سیر تدریجی احکام و بسیاری از نکات و مطالب مهم دیگر کمک بسیار موثری می نمود (رامیار، ص ۳۶۸ ; حجتی ، ص ۳۹۱).



این که امیرالمومنین (ع) دارای قرآن مخصوصی است که از نظر ترتیب سوره ها با قرآن موجود مغایر و متفاوت می باشد، حقیقتی است روشن که شک و تردید در آن وجود ندارد و اتفاق دانشمندان بزرگ بر وجود چنین قرآنی ما را از مشقت و زحمت اثبات آن آسوده خاطر می نماید.

و اما دارا بودن آن قرآن بر اضافات و زیادت هایی که در قرآن فعلی موجود نیست گرچه آن هم به جای خود صحیح است ولی صحت این مطلب نمی تواند، دلیل آن باشد که آن اضافات جزء قرآن بوده و به وسیله تحریف از بین رفته است بلکه نظریه صحیح و نزدیک به حقیقت این است که آن اضافات موجود در آن ، قرآن یا تفسیر آیات است، به عنوان تائیل و بیان آنچه برگشت کلام خدا برآن است و یا شرح و توضیح آیات است به عنوان تنزیل از طرف خداوند (خوئی، ص ۲۸۵-۲۸۶).

پس از نپذیرفتن مصحف مولا توسط مردم امام (ع) می فرمایند: (و ... لا ترونه بعد هذا ابداً.)

امام پس از آن روز دیگر مصحف را بر نمایاند تا به گفته علامه عسگری در گذر گاه زمان بر سر آن ، نیاید آنچه بر سر مصحف دیگر آمد(مهدوی راد، میراث مکتوب علوی). نظر عده ای از محدثان و محققان شیعه بر آنست که مصحف علی (ع) به عنوان سپرده امامت به فرزندش امام حسن(ع) رسید، و بتدریج به همان عنوان «میراث امامت» از امامی به امام دیگر منتقل گشت ، که سرانجام در اختیار آخرین و دوازدهمین امام شیعه قرار گرفت که پس از ظهور خود، آنرا به مردم ارائه خواهد نمود(حجتی ، ص ۴۱۰).

علمای اعلام تشیع از صدوق(ره) گرفته تا آیت ... خوئی و علامه طباطبائی (کثرا... امثالهم) همه بر این اعتقدند که قرآن همین است که میان دو جلد در دست مسلمانان است و لاغیر (رامیار، ص ۳۸۰).

ب جمع و ندوین در زمان خلافت ابوبکر.

وقتی رسول خدا(ص) از دنیا رفت و علی (ع) مشغول جمع آوری قرآن بود، ابوبکر به عنوان خلیفه مسلمانان زمام امور را بدست گرفت. همزمان با

عمر برای این کار فراخ گردانید آنگاه به جستجوی قرآن پرداختم و آن را از نوشته های بر چوبهای درخت خرما و سنگهای نازک و سینه مردها جمع آوری نمودم و آخر سوره توبه را نزد ابو خزیمه انصاری یافتیم (سیوطی، ص ۲۰۲؛ حجتی، ص ۴۲۰؛ رامیار، ص ۳۰۴-۳۰۵).

خطابی گفته: بدین جهت پیغمبر اکرم قرآن را در مصحف جمع نکرد که در انتظار نسخ احتمالی بعضی از احکام یا نسخ تلاوت قسمتی از آن بوده، و هنگامی که نزول آن با وفات آن حضرت پایان یافت خداوند به خلفای راشدین الهام فرمود که قرآن را جمع کنند، پس آغاز این کار به دست صدیق و با مشورت عمر انجام گرفت (سیوطی، ص ۲۰۱).

در کتاب موطا ابن وهب از مالک از سالم بن عبد... بن عمر روایت شده که گفت: ابوبکر قرآن را در نامه ها جمع کرد، او ابتدا زید بن ثابت را برای انجام این کار فرا خوانده بود ولی زید امتناع ورزیده بود تا اینکه از عمر یاری خواست و او را قانع کرد (سیوطی، ص ۲۰۶). ابن اشته در کتاب المصاحف از لیث بن سعد آورده

خلافت ابوبکر، مسلمه کذاب در یمامه ظهور کرد و ادعای پیغمبری نمود، ابوبکر سپاهی را که گروهی از حفاظ و قراء قرآن در حضور داشتند برای نبرد با مسیلمه گسیل داشت. اگرچه این جنگ با پیروزی مسلمین و قتل مسیلمه پایان یافت، ولی عده ای (۷۰ نفر) از قراء و حفاظ قرآن به شهادت رسیدند که همه مورخان و محققان این قضیه را انگیزه ابوبکر در جمع آوری قرآن نوشته اند (حجتی، ص ۴۱۹).

بخاری در صحیح خود از زید بن ثابت آورده که گفت: ابوبکر پس از کشتار اهل یمامه مرا فرا خواند، دیدم عمر بن الخطاب هم نزد اوست، پس ابوبکر گفت: عمر نزد من آمد و گفت: کشتار در قراء قرآن شدت یافته و من می ترسم که قسمت زیادی از قرآن از بین برود، به نظر من تو بجمع کردن قرآن امر کن. زید بن ثابت می گوید: به خدا قسم اگر به من تکلیف می کردند که کوهی را جابجا کنم از این سنگینتر نبود که به من جمع آوری قرآن را امر کرد. پس پیوسته ابوبکر در این باره با من سخن گفت تا اینکه خداوند سینه مرا مانند سینه ابوبکر و

که گفت: اولین کسی که قرآن را جمع کرد ابوبکر بود و زید آن را نوشت (همان). وی در جای دیگر این کتاب علی (ع) را به عنوان اولین جامع قرآن کریم می داند و اکنون

می گوید زیدبن ثابت (ولی خواه، ص ۱۱۵).

آیت ... معرفت می گوید: زید به جمع کردن قرآن مشغول شد و قرآن را از صورت پراکندگی درآورد و در یک جا فراهم کرد. او این کار را با همکاری گروهی از صحابه انجام داد. نخستین اقدام وی آن بود که اعلام کرد: هر کس هر چه از قرآن نزد خود دارد، بیاورد. (ولی خواه، ص ۱۱۶).

دکتر حجتی صاحب پژوهشی در تاریخ قرآن کریم معتقد است که ابوبکر فقط توانست قرآن کریم را یکجا گرد آورد و آیات را در میان سوره ها منظم سازد و ترتیب سوره ها در زمان عثمان صورت پذیرفته است. صاحب الاتقان فی علوم القرآن نیز بر این باور است که ترتیب سوره در زمان عثمان صورت پذیرفته است و ابوبکر فقط توانسته است آیات و سوره قرآن کریم را بین لوحین جمع کند.

البته سوال بسیار مهم این است که ، با توجه به توقیفی بودن آیات و سوره ، چطور ممکن است در عهد ابوبکر ترتیب سوره مشخص نشده باشد؟ (ولی خواه، ص ۱۱۹).

دست به هریک از روایات که بگذاریم، رنگ بزرگ نمائی افراد در آن خوب دیده می شود و جالب توجه تر اینکه بیشتر اینها بر خلاف آنچه گفته اند که در جهت بزرگداشت بیش از اندازه خلفاست ، در راه بزرگ نمودن جناب زید است. به هر صورت قدر و عظمت کار او به جای خود محفوظ ، اما دست کم گرفتن آن اوراق و نوشت افزارها نه امری در خور عنایت کم است آنها نوشته هایی بود که در حضور شخص پیامبر اکرم و با نظارت کامل وی نوشته و تنظیم شده بود. دو نکته مهم در این روایات تردید و دودلی ابوبکر و پیشنهاد عمر می باشد. باری از این نقطه ضعف ها که بگذریم ، این روایات جنبه های مثبتی هم دارد که واقعیت را بازگو می کند. این روایات خود اهتمام صحابه و جامعه اسلامی را در کار محافظت قرآن و دقت وافرشان را در این کار می رساند. شاید که انگیزه شخصی هم

فرد مسلمان بود. آنها حوادث چند ماه پیش و بخصوص روز غدیر خم و لحظه رحلت حضرت رسول را از یاد نبرده بودند و حال آنکه هر یک از نخبگان مسلح به سلاحی بودند که به تنهائی برای هر مبارزه ای کافی بود و آن داشتن نسخه ای کامل قرآن بود که رفعت و منزلتی بس والا به دارنده اش می بخشید. مضافاً که آنرا با تمام شان نزولها و تفسیرهایش از حفظ داشتند. در حالی که خلیفه خود در تفسیر کلمهای چون «اب» فرو می ماند و نسخه ای از قرآن هم نداشت!

اینها بود که زنگ خطر را در گوش عمر به صدا درآورد. در این هیچ گفتگو نیست که آنها در حفظ قرآن نهایت اهتمام را داشته اند. اما این توجه به قرآن، هرگز آنها را از تحکیم نظام جدید باز نمی داشت.

به هر صورت، هر انگیزه و سببی که بوده، نتیجه اش در نهایت دقت و اوج عظمت عاید جامعه اسلامی گردید (رامیار، ص ۳۳۱-۳۳۲).

این نسخه ای را که زید بن ثابت گردآورد، نخست نزد ابوبکر می گذارند و تا هنگام وفات او در آنجا بود و گویا

در آن دیده شود، اما عشق و ایمان به کلام خدا سرلوحه کارها بوده است. با خلوص و ایمانی که در آن روزها، به شدت تحت نظارت دقیق جامعه اسلامی بوده، با پشتکار و همتی که از آن پروانه های شمع دین و آئین انتظار می رفته، دست بدین کار عظیم زدند و چه خوب از عهده برآمدند (رامیار، ص ۳۰۷-۳۰۹).

انگیزه اصلی ابوبکر در همان سکوتی که نهفته است که یا زید نمی دانسته و پیش از او گفته شده و یا می دانسته ولی نمی خواسته که بگوید. ناگوارترین سکوت آنها درباره نوشته های خانه پیامبر اکرم (ص) است. چرا به تفصیل هر چه تمامتر از آن گرانبهارترین آثار نبوی سخن گفته نشده و سرنوشت آنها به کلی به سکوت برگذار شده است؟

گذشته اینها، خطر دیگری خلافت را تهدید می کرد. برگزیدگان جامعه که طبقه نخبه صحابه را تشکیل می دادند، در برابر خلافت زنگ خطری بودند. در راس آنها علی بن ابیطالب (ع) که صرف نظر از خویشی نزدیک با پیامبر و پرورده بودن دست محمد (ص)، خود بی گمان برجسته ترین

نگهبان مخصوصی هم داشته و مورد
مراجعه شخص خلیفه بوده است.

پس از فوت خلیفه این نسخه را به
عمر می دهند. عمر یا نسخه ای از آن
تهیه می کند یا همان را در
ربعه (جعبه) ای می نهد. بعد از فوت او
آن جعبه به دخترش حفصه، بیوه
رسول خدا تسلیم می شود. بعد عثمان
آنها خواست. اما حفصه آنها تسلیم نکرد
تا عثمان ناچار قول داد که آنها سالم
برگرداند. بعدها توسط مروان والی
مدینه در زمان معاویه آنها سوزاند
(رامیار، ص ۳۲۵).

با مطالعه برخی از مدارک اهل سنت،
چنین استفاده می شود که کار ابوبکر
در جمع قرآن مورد تایید علی (ع) بوده
است. اما بعضی دیگر از مدارک اهل
سنت نخستین جامع قرآن، علی (ع)
بوده، بنابراین ابوبکر نمی تواند
نخستین جامع قرآن باشد.

در ضمن وقتی علی (ع) مصحف خود را
ارائه داد و آنها نپذیرفتند و آن حضرت
بحال اعتراض فرمود: دگر باره این
مصحف را نخواهید دید و این خود
مخالفت با کار ابوبکر و گماشتگان او
تلفی می شود (حجتی، ص ۴۳۶).

جمع و تدوین در زمان
خلافت عثمان.

◆ انگیزه یکی کردن مصاحف :

در زمان خلافت عثمان حکومت
اسلامی گسترش بیشتری پیدا کرد و
مسلمانان برای آموزش احکام اسلامی
به امصار و اقطار عالم سفر می کردند
و ملت‌هایی غیر عرب به اسلام می‌گرویدند
و هر صحابی به حرفی که قرآن
آموخته بود به دیگران قرآن آموزش
می داد. چنانکه اهل شام به قرائت
ابی بن کعب، کوفیان به قرائت
عبدالله بن مسعود، بصریان به قرائت
ابوموسی اشعری قرآن می‌آموختند.
تا آنکه اختلاف قرائت و وجوه پیش
آمد و قرآن کریم به حرفهای گوناگون
ادا می شد و کار تا آنجا انجامید که
نزدیک بود فتنه ای درگیرد و مردمی
که از حقیقت این اختلافات بی خبر
بودند، همدیگر را متهم به کفر می
کردند. تا جاییکه گستره این اختلافات
به مکه و حتی مدینه مرکز خلافت
اسلامی کشیده شد و در غزوه
ارمنستان و آذربایجان این اختلافات
به اوج خود رسید و صحابی گرانقدر
حدیفه بن یمان می دید که حرفهای
هفتگانه که همگی از مبنایی درست

که سوره ها و آیات قرآن را در یک مصحف تدوین کند و از پراکندگی به صورت مجموعه واحد در بیاورد، بلکه بدین معنی که او تمام مسلمانان را در قرائت یک قاری مخصوص، جمع و متحد نمود و تمام قرآن های دیگر را که با آن قرائت مورد نظر موافق نبود، سوزاند و به تمام بلاد و شهرها نوشت که چنین قرآن ها را بسوزانند و بدین وسیله مسلمانان را از هر گونه اختلاف قرائت نهی و منع نمود که آن را در اصطلاح «توحید المصاحف» می نامند (خوئی، ص ۳۲۳).

این اشته از طریق ایوب از ابی قلابه روایت کرده است که گفت: مردی از بنی عامر به نام انس بن مالک به من گفت: در عهد عثمان اختلافات شدیدی درباره قرائت پدید آمد بطوری که شاگردان و معلمان به نزاع و خونریزی پرداختند، این خبر به گوش عثمان بن عفان رسید، وی گفت: در زمان من قرآن را تکذیب می کنید و در آن لحن می نمایید؟ هر کس از من دوری گزیند تکذیبش شدیدتر و لحنش بیشتر است، ای اصحاب محمد(ص) جمع شوید و برای مردم امامی بنویسید پس جمع شدند و این

برخوردارند، در اثر بی اطلاعی مسلمانان چگونه مایه اختلاف آنان شده است. در نتیجه خطر را به اطلاع خلیفه رساند و گفت پیش از آنکه فتنه ای درگیرد باید چاره ای بیاندیشد. و عثمان به حفصه پیغام فرستاد که صحیفه ها را در اختیار ما بگذار تا از آن نسخه برداریم، آنگاه آن را به تو برخواهیم گرداند و حفصه فرمان او را پذیرفت و عثمان به زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث بن هشام فرمان داد که از روی مصحف ابوبکر نسخه بردارند و به سه مامور قریشی تاکید کرد اگر در موردی با زید بن ثابت اختلاف کردید، آن را به لغت قریش بنویسید، زیرا قرآن به زبان قریش نازل شده است و چون کار نسخه برداری تمام شد، عثمان صحیفه ها را به حفصه برگرداند(خرمشاهی، ص ۸۵۰).

حاکم گفته: جمع سوم که همان ترتیب سوره هاست در زمان عثمان واقع شد(سیوطی، ص ۲۰۶).

آری جای تردید و شک نیست که عثمان در دوران خویش قرآن را جمع آوری کرده است. ولی نه به آن معنی

کار را کردند ، پس به سراغ آن شخص می فرستاد در حالی که در سه فرسخی مدینه سکونت داشت، پس به او می گفت: رسول خدا(ص) فلان آیه و فلان آیه را چگونه به تو آموخت؟ پس جواب می داد: چنین و چنان، پس آن را همانطور می نوشتند، قبلاً جای آن را خالی می گذاشتند (سیوطی، ص ۲۰۷).

پیشنهاد مبتکرانه یکی کردن قرائات مصاحف از سوی حذیفه بود(جوان آراسته، ص ۲۰۱).

حذیفه پسر یمان (م ۳۶) اصلاً عراقی و از سابقین در اسلام بود. معروف به « صاحب سر رسول خدا » شد.

حذیفه به عثمان گفت: مردم در کلام خدا اختلاف کرده اند و من می ترسم به ایشان همان رسد که به یهود و نصارا از اختلافشان رسید. دریاب مردم را پیش از آنکه در کتاب خدا اختلاف کنند و کار بالا گیرد(رامیار، ص ۴۱۲-۴۱۶).

♦ منابع زید بن ثابت در جمع قرآن در زمان عثمان :

صحیفه هایی که بدستور ابی بکر تحت اشراف زید قبلاً فراهم آمده بود. مصحف ابی بن کعب.

حافظه و نوشته های قرآنی .
خزیمه بن ثابت.

نظارت امیرالمومنین علی (ع). سید بن طاووس علوی (م ۶۶۴) در کتاب « سعد سعود » خود

می گوید: قرآن را زید بن ثابت زمان ابوبکر جمع نمود، و در این امر ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، سالم مولی ابی حذیفه با او مخالفت کردند. آنگاه عثمان برگشته و قرآن را به رای و عقیده امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام در مصحف جمع نمود. و عثمان مصحف ابی، عبدالله و سالم را گرفته به آب شست. علامه حلی (م ۷۲۶) نیز نقل می کند که عثمان ، قرآن را به امضاء علی (ع) رسانده است(رامیار، ص ۴۴۴).

چه مخالفت هایی با جمع آوری عثمان شد؟

نکته مهم در اعضای گروه توحید مصاحف این بود که سه تن از آنها قریشی و داماد عثمان بودند. روشن است که چنین انتخابی می تواند موجب بحث هایی بشود. واقع این است که اگر چه از اینها احق و اولی هم یافت می شد، اما اینها نیز تربیت شده های زمان خود و از آگاهان روزگار

خود بوده اند و کسی خلافی از ایشان بازنگفته است (رامیار، ص ۴۱۹).

شاید تنها کسی که با سرسختی زیاد در این کار با عثمان مخالفت می ورزید عبدالله بن مسعود بود، و ظاهراً عوامل روانی و احساسی، در کنار سایر عوامل به این مخالفت مدد می کرد. نوشته اند که ابن مسعود در آغاز امر از تسلیم مصحف خود به عثمان خودداری می کرد، چون برای او سخت ناخوش آیند بود که زیدبن ثابت کم سن و سالتر از او متصدی گردآوری و جمع و ترتیب قرآن باشد، و او را فراموش کنند و مسئله جمع و ترتیب قرآن را به وی واگذار نسازند. لذا عثمان می گفت: چه کسی می تواند از جانب من از ابن مسعود پوزش خواهی کند؟ او بر من خشم گرفت، چون من جمع آوری قرآن را با او واگذار نساختم، چرا عبدالله بن مسعود بر ابی بکر و عمر، خشم نگرفت، در حالیکه آندو نیز مانند من این کار را در عهده زیدبن ثابت قرار داده بودند؟! گویند: عبدالله بن مسعود بعدها از رفتار خود در مورد جمع آوری قرآن نادم گشت، و با جماعت اصحاب و

گردآورندگان قرآن، همراه و همسخن شد (حجتی، ص ۴۴۵-۴۴۷).

■ نظر علی ابن ابیطالب (ع)

سخنان ابن مسعود به جایی صحابه با تمام علاقه و احترامی که بدو می گذاردند و با وجود استقامتی که او نمود، سخنانش راه به جایی نبرد. جامعه اسلامی یکتا شدن مصحف را مصلحتی برتر تشخیص داد و مصحف عثمانی را پذیرا شد. در راس بزرگان صحابه، نام علی (ع) در این زمینه نیز درخشنده است. کتب فریقین گواهی های فراوانی را در این باره نقل کرده اند. درباره نظر امام علی بن ابیطالب (ع) سخن به گونه های مختلف فراوان گفته شده است (رامیار، ص ۴۴۴).

ابن ابی داود بسند صحیح از سوید بن غفله آورده (که از اصحاب امام علی و امام حسن علیها سلام بود) که گفت: علی (ع) فرمود: جز خیر چیزی درباره عثمان مگوئید، به خدا قسم آنچه در مصاحف انجام داد جز با مشورت ما نبود، به ما گفت: درباره این قرائت چه می گوئید؟ به من رسیده که بعضی به یکدیگر می گویند: قرائت من بهتر از قرائت تو است و این نزدیک به کفر است. گفتیم چه نظری داری؟ گفت:

رای من آن است که مردم بر یک مصحف جمع شوند و دیگر تفرقه و اختلافی نباشد، گفتیم: خوب نظری داری (سیوطی، ص ۲۰۸).

شاید موافقت علی (ع) با کار عثمان در جمع آوری قرآن، منشاء موافقت شیعه با مصحف عثمانی باشد و علماً و عملاً از زمان عثمان تا کنون، قرآن کریم بهمین صورت مورد استفاده تمام فرق مختلف شیعه و سنی و بالاخره همه مسلمین است.

وقتی از شیخ مفید می پرسند: آیا قرآن، همانست که میان دفتین قرار دارد، و یا اینکه در آن، دستبرد و تحریف و تصحیفی رخ داده است؟ شیخ مفید ضمن پاسخ خود، صریحاً می گوید: همه آنچه میان دفتین قرار گرفته است، کلام خدا است. و چیزی از آن ضایع نشده، و کلام بشری در آن راه نیافته است. و این خود بهترین گواه در تایید کار عثمان در جمع آوری قرآن از نظر شیعه می باشد (حجتی، ص ۴۴۴-۴۴۵).

■ تعداد مصاحف عثمانی

در باره تعداد مصحفهایی که عثمان به شهرها فرستاد اختلاف است، و مشهور آن است که پنج عدد بوده. و این ابی

داود از طریق حمزه زیات روایت کرده که گفت: عثمان چهار مصحف فرستاد، ابن ابی داود گفته: و شنیدم ابوحاتم سجستانی می گفت: عثمان هفت مصحف نوشت به مکه و شام و یمن و بحرین و بصره و کوفه فرستاد و یکی را در مدینه قرارداد (سیوطی، ص ۲۰۹).

ابوعمرودانی در کتاب «المقنع» و نیز اکثر علماء بر آنند که وقتی مصاحف نگارش یافت، عثمان دستور داد آنها را در چهار مصحف قرار دهند، و به هر یک از نواحی کوفه و بصره و شام یکی از آنها را بفرستند و یک نسخه را نزد خود نگهداشت.

مصحفی که عثمان نزد خود نگاهداشت به «مصحف امام» نامبردار است، یعنی مصحفی که باید سرمشق و الگوی تمام مصاحف دیگر تلقی گردد (حجتی، ص ۴۴۹-۴۵۱).

علیرغم اختلاف نظری که در شمار این مصاحف وجود دارد، همه آنها از نظر اشمال و احتواء بر تمام قرآن، هیچگونه تفاوتی با هم نداشتند، و همه آنها مشتمل بر یکصد و چهارده سوره بوده است (همان).

■ مسئله احراق و سوزاندن مصاحف

حارث محاسبی گفته: علی (ع) می گوید: اگر در مصحفها ولایت می یافتم همان کار عثمان را می کردم (سیوطی، ص ۲۰۹).

بعضی از خاور شناسان مانند «بلاشر» و دیگران معتقدند که علی (ع) کار عثمان را منحصرأ در جمع و تدوین قرآن تایید نموده و از وی دفاع کرد. و منظور آنحضرت، دفاع از عثمان در سوزاندن مصاحف دیگران نبوده است، علی (ع) صرفاً از آنجهت به دفاع از کار عثمان برخاست که به تعدد و تنوع مصاحف، خاتمه بخشد. اسناد و تاریخچه ها نشان می دهد که ظاهراً عثمان مصاحف دیگران را نسوزانده بلکه برای از میان بردن آن احیاناً از وسائل دیگری نیز استفاده میکرد. ولی در محو و نابود ساختن مصاحف دیگران از سوزاندن بیش از هر وسیله دیگری کمک گرفت (حجتی، ص ۴۵۷-۴۵۹).

آری، این اقدام و عمل عثمان (جمع همه مسلمانان به یک قرائت) شایسته بود و لذا مورد انتقاد هیچ یک از مسلمانان واقع نشد، زیرا همان اختلاف در قرائت سبب اختلاف پیش تری در میان مسلمانان و موجب

پاشیده شدن صفوف آنان و درهم ریختن پایه های اتحاد و یگانگی یروان قرآن می شد و بلکه این اختلاف و تشتت به جایی می رسید که عده ای از مسلمانان عده دیگر را تکفیر و تفسیق کنند.

روش عثمان در این مورد جای رد و انکار و مورد خدشه و ایراد نیست، ولی آن چه درباره این موضوع سبب ایراد و انتقاد از عثمان شده است، مسئله سوزاندن قرآن هاست که به وسیله خود او صورت گرفته و به مردم شهرها نیز این دستور را صادر کرده است. آری عده ای از مسلمانان در این موضوع به عثمان اعتراض کردند تا جایی که او را «حراق المصاحف» یعنی سوزاننده قرآنهای، نامیدند (خوئی، ص ۳۲۴).

■ سرنوشت مصاحف عثمانی

نسخه هایی را که عثمان به اطراف فرستاد با اقبال عمومی پذیرفته شد و از همان آغاز چنان جنبه حرمت و قدسی یافتند که فکر حفظ و نگهداری آنها پیش آمد. مردم مردم اهل سنت، از قرطبه و غرناطه گرفته تا به سمرقند و بخارا، تا امروز نسخه های فراوانی را به نام مصاحف عثمانی

شناختند. نخستین کتابت کوآترمر (Quatremere) نشانه‌هایی از این مصاحف گردآورد. بعد بر مبنای کار او «کازانوا» مطالعات خود را ادامه داد و شانزده نسخه را نشانی داد (رامیار، ص ۴۶۵-۴۶۶).

باری، گویند: ابن کثیر - که از دانشمندان قرن هشتم هجری است - مصحف شام را دیده بود، لذا در کتاب «فضائل القرآن» خود می‌نویسد: اما مصحف عثمانی که «مصحف امام» تلقی می‌شدند معروفترین آنها که هم اکنون در شام وجود دارد در جامع دمشق در رکن شرقی ایوان آن قرار دارد.

دکتر صبحی صالح می‌نویسد: دوست من، دکتر «یوسف العش» به من گفته بود که قاضی عبدالمحسن اسطوومی برای او نقل می‌کرد که مصحف شامی را پیش از آتش سوزی دیده بود. این مصحف در ایوان دمشق و در میان جعبه چوبین قرار داشت (حجتی، ص ۴۶۱-۴۶۲).

۳ - مستشرقان و قرآن

مستشرقان و عالمان مسیحی و یهودی در طول چند قرن اخیر اهتمام زیادی در تهیه و تصحیح و چاپ و نشر کتاب

های مربوط به موضوع «تاریخ تدوین و جمع قرآن کریم» اعمال کرده‌اند. آنان علاوه بر این، تحقیقات مستمر و تالیف مقالات در دایره المعارف‌ها و مجلات و تالیف کتاب‌های فراوان انجام داده‌اند. همه این تلاشها یک هدف را تعقیب می‌کنند و آن ایجاد شک و تردید در اصالت قرآن موجود و وقوع دست‌کاری در آیات تلاوت شده پیامبر اکرم (ص) توسط دست‌اندرکاران جمع و تدوین است. آنان برای اثبات این مطالب به طرح «تعدد مصاحف» و اختلاف اندک بین آنها پرداخته و مرتب آن را به رخ کشیده و آمار و موارد اختلاف آن مصحف‌ها را در کتابت و قرائت در کتاب‌ها و مقالات خود مطرح می‌کنند.

اما راز این همه اهتمام فراوان مستشرقان به استفاده از این سوژه چیست؟ و چه نگرانی و دل‌مشغولی ذهنی شان انگیزه اقدام آنان به انجام این طرح شده است؟

مطالعه در پیشینه تاریخی و تمدن‌تورات و انجیل اربعه و کشف بحران‌آغازین جمع‌آوری عهدین و اطلاع از نابسامانی و بی‌اعتباری ضوابط‌گزینش متون فعلی می‌تواند کلید

حل این پرسش باشد، زیرا پراکندگی مکتوبات اولیه عهدین آن قدر گسسته و درهم و بی سند بود که موجب شرمساری و سرافکندگی همه اربابان کلیسا و خاخام های یهودی در طول تاریخ شده است، تاجایی که تصمیم گرفتند اصلاً درباره پیشینه و تاریخ تدوین عهدین کتابی نوشته نشود و تحقیقی انجام نگیرد و در بین مردم منتشر نگردد زیرا در صورت اطلاع توده مردم مسیحی و یهودی از پیشینه، دیگر ذره ای به عهدین و اربابان آنها اعتماد نکرده و همه تشکیلات و هویت این دو آیین را به کناری خواهند نهاد. (زمانی، تاریخ جمع قرآن).

برخی مستشرقان خواسته اند از اختلافاتی که مصحف های مشهور صحابه بزرگ در صدر اسلام با مصحف عثمانی داشته است، اصل نقش افراد انسانی را در جعل و افزایش سوره ها و آیات قرآن اثبات کنند. مثلاً در «الاستشراق و الخلیفه» آمده: ابن مسعود معتقد بود که معوذتین (سوره ناس و فلق) جزو قرآن نیست و حال آنکه این دو از مشهور ترین سوره قرآنی است.

کازانوف مستشرق و اسلام شناس فرانسوی در کتاب «محمد و پایان جهان» ادعای افزایش دو آیه از قرآن توسط ابوبکر را دارد.

اما «رژی بلاشر» استاد دانشگاه سوربن در کتاب «در آستانه قرآن» می نویسد: همان طوری که شوالی (در تاریخ قرآن نولدکه) متذکر شده ادعای تحریف قرآن هیچ گونه اساس تاریخی نداشته، بلکه زاییده نظریات عقیدتی می باشد. (همان)

جناب دلیو. مونتگمری وات نیز در ذیل عنوان تاریخ متن به جمع آوری قرآن و مصاحف پیش از عثمان اشاره دارد. و جمع آوری قرآن را تحت نظر ابوبکر و عثمان شرح می دهد.

نتیجه گیری

با عنایت و ملاحظه دلایل و شواهدی که تقدیم کردیم می توان به نتیجه گیری زیر رسید.

دیدگاه آیت الله خوئی بدلیل اینکه در پاسخگوئی به یکی از شبهات گروندگان به نظریه تحریف قرآن بیان گردید (با توجه به اینکه تحریف را با قاطعیت رد می کنیم) فقط قسمتی از نتیجه گیری می تواند باشد.



آیت الله بروجردی نیز در درس اصول خود می فرمایند: هدف عامه در نقل این روایات، بیان فضیلت ابی بکر و عمر و نشان دادن خدمت آن دو به اسلام می باشد و از جانب آنان این روایت در میان خاصه راه پیدا کرده است، و اهل سنت در نقل این روایات که باعث کوبیدن عظمت قرآن می شود، برای بزرگداشت خلفاء افراط کرده اند، همچنان که شیعه نیز در نقل روایاتی که دلالت می کند علی(ع) قرآن را گرد آورد و آن را نزد مردم برد و آنان آن را نپذیرفتند، افراط کرده اند.

اگر به دلایل متقن و محکم تکیه کرده

و کم تر جانبدارانه اظهار نظر کنیم قرآن اگر چه در دوره پیامبر و به طور کامل حفظ گردید و صدها حافظ قرآن و ده ها کاتب وحی مجموع آنچه را که بر حضرت نازل شده بود، در گنجور خاطر خویش حفظ کرده و در نوشت افزارهایی ثبت نمودند، اما بدلالی، پس از رحلت پیامبر(ص) آن را میان دو جلد قرار دادند و این کار نه از عظمت قرآن می گاهد و نه فضیلت برای مکتب خلفا محسوب می شود.

از این نظریه علامه طباطبائی و علامه شعرانی دفاع نموده و بنظر محقق نیز آیت الله معرفت و علامه عسگری نیز چنین نظری را اعلام فرمودند.

■ منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- حیوان آراسته، حسین، درسیه علوم قرآنی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
- چکیده مقالات اولین دو سالانه قرآن پژوهی دانشجویان، دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۸۴.
- حجتی، سید محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۸۴.
- حجتی کرمانی، علی، جمع و تدوین قرآن در زمان رسول اکرم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- خرقانی، حسن، نظریه اجتهادی بودن ترتیب سوره ها، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- غرماشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران - بوستان [و] ناهید، ۱۳۷۷ش.
- هوم، سیرت تدوین قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- خسروی، سید ابوالقاسم، بیان، ترجمه، نجمی - هاشم زاده هریسی، ۱۳۸۲ش.
- دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، برهان و عرفان، ویژه نامه علوم قرآن و حدیث ۱۳۸۴.
- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲.
- زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
- سبحانی، جعفر، برنشها و پاسخها، ص ۱۲۸-۱۳۳، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- سپهری، محمد، جمع و تدوین قرآن، برهان و عرفان، سال ۲-ش ۶- ۱۳۸۴.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه حائری قزوینی، تهران امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- مدرسی طباطبائی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه، ترجمه قرآنی و جعفریون، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، قم، ۱۳۸۳.
- معرفت، محمد هادی، پیشینه علوم قرآنی، مجله گلستان قرآن، آذر ۱۳۸۰.
- مهدوی راد، محمد علی، سیر نگارهای علوم قرآنی، تهران، هستی نما، ۱۳۸۴.
- میراث مکتوب علوی، دانشنامه علوم حدیث ش ۳۷- ۳۸، دانشکده علوم حدیث.
- نادعلی عاشوری نلوکی، علامه شعرانی و جمع قرآن و پژوهش های قرآنی، ش ۱۹-۲۰.
- ولّس خواص، محمد، درآمدی بر تاریخ قرآن کریم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ۱۳۸۲.